

شناخت ایران در ادبیات فرانسه*

از آغاز تا اوایل قرن هیجدهم میلادی

دکتر محمد غروی

همزمان با سفر نامه‌هایی که در فرانسه انتشار
چند واقعه ادبی یافت، آثار جدی تری نیز به دست مردم فرانسه
می‌رسید که اطلاعات دقیقی در مورد معتقدات دینی
(اسلام)، طرز فکر، زبان و ادبیات ایران در برداشت.
در مورد دین اسلام سه اثر را باید نام برد: تاریخ عمومی دین ترکان،
با تولد و زندگانی پیامبرشان محمد که در سال ۱۶۲۵ انتشار یافت و مؤلف
آن Michel BAUDIER می‌کوشد تا « نادرستی و شهوت پرستی پیامبر
ترکان » و « بیهودگی فرقه، مسخرگی و خشونت طلبی مسلك وی » را ثابت
کند؛ القرآن محمد ترجمه شده از عربی به فرانسه به دست André du RYER
که در سال ۱۶۴۷ منتشر شد و از آن به بعد، طی صد و سی سال، هفت بار
تجدید چاپ گردید؛ و بالاخره ترجمه کتاب نویسنده انگلیسی،
PRIDEAUX، تحت عنوان *La Vie de l'Imposteur Mahomet* که به سال

* ۱- در شماره‌های پیش این نشریه طرق معرفی ایران و ایرانیان به مردم
فرانسه به وسیله مأموران سیاسی و اقتصادی و مذهبی و نیز جهانگردان به طور خلاصه
یاد شد. در مقاله حاضر تاریخچه مختصر معرفی ایران در ادبیات فرانسه ارائه می‌شود.
۲- این مقاله بر اساس مقالات و کتب منتشره در اروپا تنظیم یافته است.

۱۶۹۹ منتشر گردید .

به آسانی می توان دریافت که در سه کتاب فوق نسبت به دین اسلام لحن محبت آمیزی وجود ندارد و روحیه اروپائیان آن قرن، که مذاهب دیگر را تحمل نمی کردند ، به خوبی در آنها دیده می شود. اما در قرن هیجدهم، پروتستانها پیامبر اسلام را از اتهامات کاتولیکها تبرئه کردند. ترجمه فرانسه کتاب دین پیروان محمد ، نوشته RELAND ، به سال ۱۷۲۱ انتشار یافت . سپس در سال ۱۷۳۲ ، GAGNER انگلیسی کتاب زندگانی محمد را منتشر ساخت و در آن از اینکه دین اسلام، « به دست دشمنان، بد تشریح گردید و در معرض تحقیر مردم قرار گرفت » ابراز تأسف کرد^۱. پس از انتشار این دو کتاب ، فلاسفه قرن هیجدهم فرانسه نه تنها مسأله تحمل ادیان دیگر را در اسلام ستودند بلکه حضرت محمد را نیز با اعتبار و حیثیت فراوان به مردم معرفی کردند. ولتر می نویسد: «محمد ، که فاتح، قانونگذار، پادشاه و رئیس مذهب بود، بزرگترین نقش ممکن را روی زمین ایفاء کرد»^۲.

در مورد زبان فارسی ، به جز کتاب دستور فارسی ، تألیف Louis le DIEU هلندی ، منتشره در ۱۶۴۹ ، و کتاب فرهنگ فارسی که در ۱۶۸۴ انتشار یافت اثر مهمی منتشر نشد .

در زمینه ادبیات محض ، چند اثر از شاهکارهای ادبی ایران به فرانسه ترجمه شد و نشان نفوذ آنها در ادبیات فرانسه هویدا گردید . Gilbert GAULMYN ، رئیس اداره عرایض پادشاه ، ترجمه لاتینی نزهة القلوب حمداله مستوفی را تحت عنوان :

In Hamed Allae Casbinensis Persae Sapientiam universi Gilberti Gaumini Libellorum Supplicum praelecti, epistola dedicatoria Eminetissimo Cardinali Duci

در ۱۶۴۱ به ریشلیو تقدیم داشت و سه سال بعد ترجمه بسیار آزادی از انوار سهیلی وسیله همین مترجم تحت عنوان :

Livre des lumières, ou la Conduite des roys, Composé par le sage Pilpay, indien, traduit en François par David Sahid d' Ispahan... paris, S. piget, 1644, in 12^o.

منتشر گردید .

اما شك نیست که مهمترین تأثیر ادبیات ایران در فرانسه از طریق گلستان سعدی صورت پذیرفت. به سال ۱۶۳۴، André du RYER اولین ترجمه فرانسه این شاهکار ادبی را با عنوان زیر منتشر کرد :

Gulistan, ou l'Empire des roses. Composé par Saadi, prince des poètes turcs et persans.

در سال ۱۶۵۱، GENTIUS متن لاتینی این کتاب را در آمستردام با عنوان :
Musladin Sadi Politicum rosarium sive amœnum sortis humanae theatrum.

منتشر ساخت و سه سال بعد ترجمه آلمانی آن، که در آلمان علیا چاپ شده بود ، به وسیله اوئناریوس به دست مردم رسید . در همان سال ، Levinus WARNER ، امثال و حکم موجود در گلستان را تحت عنوان :
Proverbia et sententiarum persicarum centuria, collecta et versione notisque adornata.

به خوانندگان عرضه کرد . چون این اثر پرارزش ادبی ایران معروفیت لازم یافت، شاعران و گویندگان قصه‌های منظوم آنرا به عنوان منبع الهام مورد استفاده قرار دادند و این سرچشمه لایزال، قصه‌های اخلاقی منظوم « خواب یکی از ساکنان مغولستان » ، « ستاره شناسی که به چاه افتاد » ، « خرگوش و لاک‌پشت » و غیره را به لافوتتن الهام کرد. A.B. De SENECE حکایتی از آن اقتباس کرد که بدان نام :

Le Poète donné aux chiens, nouvelle persane, tirée de Gulistan de Sady

را داد. ولتر گلچینی از عبارات برجسته « شاعر ایرانی سعدی » ترجمه و انتشار داد و چون زبان فارسی نمی دانست به یکی از طرفهای مکاتبه خود چنین نوشت: « آقا، من سوگند یاد می کنم که يك کلمه فارسی نمی فهمم اما نوشته های سعدی را همانگونه به فرانسه برگردانیدم که *La Motte* آثار همیر را ترجمه کرده بود^۳ ».

چند قطعه از اشعار سعدی، که به کوشش St. LAMBERT به فرانسه برگردانده شده بود، به عنوان نمونه شعر فارسی در *دایرةالمعارف قرن هیجدهم* انتشار یافت. سپس بایسی، ویکتور هوگو، کلاریس دوفلوریان، مارسلین دبور و المور، لامارتین، کنتس دونوآی و عده کثیری دیگر از نویسندگان و شعرا به نوبه خود از آن الهام گرفتند.

حادثه ادبی دیگری که در این زمینه تأثیر فراوان کرد انتشار

La Bibliothèque Orientale ou Dictionnaire Universel d'Herbelot,

در سال ۱۶۹۷، به همت Antoine GALLAND می باشد. پیش تر، یعنی

در سال ۱۵۹۰، Barnabé BRISSON، در پاریس، تحت عنوان:

De Regio Persarum Principatu

کتابی انتشار داده بود که در واقع اولین بررسی علمی درباره ایران بود.

Colbert اولین سیاستمدار فرانسوی است که به شناسائی مشرق زمین

علاقه خاصی نشان داد. مسافران و بازرگانانی را که به ترکیه، ایران

و هند سفر می کردند مورد تشویق قرار داد و به کمک PERRAULT، که

نقش رابط را میان او و جهانگردان داشت، به آنان کمک مالی عطا می کرد

تا از این راه در کوشش ایشان مساعدتی کرده باشد و در عوض از این

جهانگردان می‌خواست تا شرح مسافرت‌های خود را به رشته تحریر در آورند.^۴ کلبه چند هیأت باستان‌شناسی نیز به آسیا اعزام داشت. ضمناً گروهی موسوم به «جوانان زبان»، مرکب از جوانانی که به شوق آموختن سه‌زبان شرقی، عربی، ترکی و فارسی، از ولایات مختلف فرانسه به پاریس می‌آمدند، تشکیل داد. آنتوان گلان می‌نویسد: «مطالعه سه‌زبان شرقی عربی، فارسی و ترکی در حال حاضر آنچنان آسان شده است که برای فراگیری کامل آنها، حتی در زمان اندک، تقریباً تنها خواستن لازم است»^۵. دانشجویان مذکور، پس از آنکه اطلاعاتی درباره هر یک از این سه زبان به دست می‌آوردند، عازم دمشق، قسطنطنیه و یا صوفیه می‌شدند تا در آنجا، ضمن تکمیل آموزش زبان، از تاریخ، ادبیات، اعتقادات و عادات و آداب مردم هر کشور اطلاعاتی کسب کنند. پس از بازگشت به فرانسه، در حالی که مشاغل از قبیل «منشی-مترجم»، «رئیس کتابخانه» یا «استاد زبانهای شرقی در مدرسه عالی سلطنتی» را اشغال می‌کردند، به ترجمه و انتشار نسخ خطی و یادداشت‌های موجود در کتابخانه سلطنتی و یا ارمغانهایی که خود از خاور زمین آورده بودند می‌پرداختند. مطالعه زبان و ادبیات فارسی بیش از پیش گسترش یافت. استادانی مانند D'HERBELOT، PETIS DE LA CROIX، GALLAND برگردان فرانسه بعضی از داستانهای فارسی و یا نتایج بررسی‌های عمیق خود را در مورد ایران و ایرانیان در اختیار مردم فرانسه گذاشتند.

ثمر این کوشش همه جانبه که برای آشنا کردن فرانسویان با جنبه‌های معنوی مشرق زمین آغاز شده بود دایرة المعارف عظیمی تحت عنوان:

La Bibliothèque Orientale ou Dictionnaire Universel d'Herbelot

بود. خاورشناس دانشمند فرانسوی :

Barthélémy D'HERBELOT DE MOLAINVILLE، که «منشی مترجم» شاه برای السنه شرقی بود، تمام عمر خود را به مطالعه زبان، ادبیات، تاریخ، اعتقادات مذهبی و آداب و رسوم مردم خاور زمین گذرانیده بود. این محقق کم نظیر به سال ۱۶۹۵، پیش از انتشار اثر باعظمتی که وی از چهل سال پیش تر به جمع آوری مدارک و بالاخره نگارش آن دست زده بود، ازدنیارفت. همکار او آنتوان گلان دنباله کوشش های دوست از دست رفته خود را گرفت و بالاخره این اثر گرانبها به سال ۱۶۹۷ منتشر شد. گلان، در سال ۱۶۹۳، کتابی باعنوان :

Les Paroles Remarquables, les Bons Mots et les Maximes des Orientaux

انتشار داده بود. در سال ۱۷۸۰ نیز کتاب دیگری به نام :

La Bibliothèque Orientale ... pour servir de supplément à celle de M. D'HERBELOT

انتشار یافت که مؤلفین آن آنتوان گلان و C. VISDELOU بودند.

برای تدوین اثر معظم D'HERBELOT، که حاوی «کلیه اطلاعات لازم برای شناختن مردم خاور زمین» می باشد و می توان آنرا خزانه فلسفه و افکار شرقی نامیده مسافرتهای متعددی به مشرق زمین صورت گرفت. کتب بسیاری به زبانهای ترکی، عربی و فارسی درباره تاریخ و اعتقادات مذهبی مردم مشرق، کتب چاپی از قبیل : *L'Histoire des Califes*، *L'Histoire des Dynasties*، گلستان سعدی، نسخه های خطی مانند تاریخ عمومی محمدلاری، تاریخ شاهرخ پسر تیمور، تاریخ چنگیزخان، خلاصه های از *L'Histoire Mahométane*، بهارستان جامی، آثار میر خواند، دستورات یکی از پادشاهان مازندران به پسرش (قابوس نامه)، درباره مطالبی بسیار گوناگون

مورد مطالعه قرار گرفتند^۷. تمام این زحمات به خاطر آن صورت یافت که خوانندهٔ فرانسوی قضاوت کند آیا مشرق‌زمینی‌ها «آن چنان که در دنیا شایع شده است دور از تمدن و نادان هستند»؟ آیا «حق دارند گمان‌کنند که طرز فکر و قضاوت مردم خاور زمین در سطح پائین‌تر از ملل نزدیک به ما، که به علت همسایگی با ایشان آشنائی کامل داریم، قرار دارد؟»^۷.

در این اثر بزرگ از تاریخ، جغرافیا، ادبیات، علوم، هنر، معتقدات مذهبی، آداب و رسوم و خلاصه از همه چیز سخن رفته است. قرآن (ص ۸۵)، فرقهٔ شیعه (ص ۷۸۶)، فلسفهٔ عرفانی اسلام، مفهوم «خدا» نزد علمای اسلامی و اینکه مسلمانان صاحبان ادیان دیگر را تحمل می‌کنند (ص ۲۹۶ و ۲۹۷)، نظر ایشان دربارهٔ دنیای خاکی و جهان باقی (ص ۳۶۸ و ۳۶۹)، مرگ (ص ۶۸)، جهنم (ص ۳۷۰ و ۷۳۸)، توبه و عفو (ص ۶۷)، فضایل (ص ۳۳۲)، کلمهٔ فقیر و ارزش اسلامی و فلسفی آن (ص ۳۳۱) و... نمونه‌ای از مطالبی است که در این کتاب به شرح آن پرداخته شده است. زندگی هر روزی و رسوم مشرق‌زمینی‌ها نیز مورد توجه قرار گرفته است: «وقتی که حرم در کوچه و بازار حرکت می‌کند کسانی که جزء خدمه نیستند اگر بر سر راه دیده شوند زندگی‌شان سخت در خطر است» (ص ۴۲۹).

در این کتاب از تاریخ قدیم، نویسندگان مشهور و شاهکارهای ادبیات ایران تا آنجا که ممکن بود یاد شده است. توصیفی که از ایرانیان داده شده ایشان را به عنوان مظهر تسلیم و رضای مشرق‌زمین نشان می‌دهد. در صفحهٔ ۳۷۰ از زبان یک شاعر ایرانی چنین گفته می‌شود: «اگر لطف رب تعالی و راهبر جهان به یاری ما نیاید هیچکس صراط مستقیم را نخواهد یافت و به سر منزل مقصود نخواهد رسید». به نظر ایرانیان،

مرگ « پایان مقدور و محتوم زندگی است که نمی توان زمان وقوع آن را پس و پیش کرد » (ص ۶۸). بحث در مورد طرز فکر ایرانیان را با نقل جمله ذیل، از صفحه ۳۰۲ کتاب، پایان می دهیم که می گوید: « فصاحت کلام ایرانیان درباره بیهودگی تعلقات دنیوی کمتر (از موارد دیگر) نیست ». کتاب *Les Paroles Remarquables...*، که پیش تر یاد شد، نیز نمایشگر افکار مردم خاور زمین است و غالب امثال و حکم آن از آثار نویسندگان ایرانی برداشته شده است. پیش از انتشار کتاب مذکور، برخی از جهانگردان از زبان پر آب و رنگ، انشای مرصع و مملو از تشبیه و استعاره ای که ما ایرانیان برای بیان مقاصد خود به کار می بریم صحبت داشته بودند. شوالیه شاردن در حدود چهل صفحه را به بحث در این مقال وقف کرده بود. سبک نگارش استعاری ما، فرانسویان و به ویژه کسانی را که با سالن های ادبی آمد و شد داشتند شیفته خود کرده بود. تحملی که دین اسلام نسبت به ادیان دیگر از خود نشان می دهد و نیز استبداد روشنفکرانه پادشاهان ایران، که خسرو پرویز بهترین الگوی آن معرفی شده بود، مورد استفاده فراوان فلاسفه قرن هیجدهم فرانسه قرار گرفت.

François PETIS DE LA CROIX پدر، که یکی از همکاران گلان و دربلو بود و به عنوان «منشی - مترجم» شاه برای زبانهای ترکی و عربی خدمت میکرد، به نوبه خود در طول مدت چهل سال در شناساندن مردم مشرق زمین به فرانسویان کمک های پر ارزشی کرد. از جمله کارهای نمایان او انتشار کتاب:

Catalogue raisonné des manuscrits turcs et persans de la Bibliothèque du Roi . است .

پسرش، هم نام پدر، که از سال ۱۶۹۰ استاد زبان عربی مدرسه

عالی سلطنتی بود و چند سال بعد مقام پدر خود را به عنوان « منشی - مترجم » شاه اشغال کرد، در انجام اینگونه خدمات سهم کمتری نداشت . در سال ۱۷۰۷ کتاب :

L'Histoire de la Sultane de Perse et des Vizirs , Contes turcs . Composez en Langue Turque par Chéc Zadé, et traduits en François par ... Amsterdam, Etienne Marchand,... in 12°

و در سالهای ۱۷۱۰ تا ۱۷۱۲ کتاب :

Les Mille et uu Jours, contes persans. Traduits en François par... paris... Claude Barbin... in 16°

را منتشر ساخت. در سایهٔ تبّعات عمیقی که پتی دولاکروا پسر انجام داد توانست آثار و مقالاتی انتشار دهد که سرشار از اطلاعات گرانبها دربارهٔ ایران و خاور زمین است .

انتشار کتب محققانهٔ دربلو ، گلان و پتی دولاکروا پدر و پسر مکمل معلوماتی شد که جهانگردان در مورد ایران و ایرانیان منتشر ساخته بودند. اطلاعات مذکور از آن زمان مدام، به عنوان منبع و مأخذ، مورد استفادهٔ آن دسته از نویسندگان فرانسوی قرار گرفت که دربارهٔ شرق چیز می نوشتند . با وجود نقائصی که در آنها می توان یافت ، ارزش آنها چنان است که حتی امروز نیز اعتبار خود را حفظ کرده اند .

چند داستان : انتشار سفر نامه ها ، گزارش های

چند داستان و نمایشنامه مبلّغین مذهبی، مکاتبات فرانسویانی که از کشور

با پرسوناژ ایرانی ما دیدار می کردند ، ترجمهٔ شاهکارهای ادب

فارسی، تبّعات محققانه و بالاخره داد و ستد

فرآورده های ایران بر روی سنت های ادبی قرن هفدهم فرانسه انعکاس خیلی

محسوسی نداشت. در دو ثلث اول قرن مذکور، مردم فرانسه برای اطلاع

از چگونگی زندگانی ایرانیان کنجکای زیادی نشان ندادند. در سال ۱۶۳۱، Le Père Pacific de Provins با نوشتن جملات زیر از کنجکای فرانسویان تا حدی جلوگیری کرده بود: «... دربار ایران فوق العاده به دربار فرانسه شبیه است... (ایرانیان) به صدای بلند سخن می گویند، مثل فرانسویها پرتعارف و اهل استهزاء هستند»^۸. در مورد ایران کتابهای زیادی هنوز منتشر نشده بود و خوانندگان کتب مربوط به ایران نیز ایرانیان و ترکان را در ردیف هم می دانستند و اغلب، به خاطر همسایگی این دو ملت و دین مشترکشان، آنرا باهم اشتباه می کردند. چون به جز جنگ با ترکان در آن زمان واقعه خارق العاده ای در ایران پیش نیامد، نویسندگان فرانسه مطلب مهمی در وقایع روز ایران نمی یافتند تا از آن داستانی بسرایند. بدین طریق، تنها منابع قابل اعتمادی که در دسترس ایشان قرار داشت روایات قدمائی مانند هرودت، گزنفون و پلوتارک، داستانهای تورات درباره ایران قدیم و یا بالاخره حکایات افسانه آمیز فتوحات تیمور لنگ بود.

تا سال ۱۶۷۰ در حدود پنج جلد داستان با مطالب مربوط به ایران انتشار یافت.^۹ اما در اینها آنچه ایرانی است تنها نام اشخاص داستان است که آنهم از کتب مربوط به ایران اقتباس گردیده است. تازه این اسامی نیز دچار دگرگونی های اساسی شده اند و این دگرگونیها شاید به قصد آن صورت یافته بود که خواننده فرانسوی، که با خواندن داستانهای مذکور خویش را در يك محیط کاملاً فرانسوی قرن هفدهم احساس می کرد، دست کم تحت تأثیر این اسامی عجیب و غریب خود را در ایران به پندارد. در این رمانها، بانوان اشرافی، درباریان و یا شوالیه های را می بینیم که

تمام رفتارها، اظهار عشقها و یا شیوه‌های نبرد را دقیقاً از روی الگوی فرانسوی رایج عصر تقلید می‌کنند. در میان این داستانها، بهترینشان که ضمناً آخرین آنها از نظر تاریخ انتشار است، *Sapor, Roi de Perse* نوشته DU PERRET می‌باشد که مشخصات آن در یادداشت شماره ۹ آمده است.

این داستان در عهد ایرانیان قدیم اتفاق می‌افتد. *Varandanes*، پادشاه ایران، عاشق *Hypante*، ملکه سرزمین سکاها (*Scythie*) می‌باشد که خود به *Crispe*، پسر کنستانتین امپراطور روم، دل داده است. باهمدستی *Fauste* ملکه روم و *Ablavius* از فرماندهان ارتش آن کشور، که هر دو به دلایلی نسبت به عاشق و معشوق حسد می‌ورزند، پادشاه ایران هیپانت را می‌رباید و در همان هنگام کریسپ نیز به قتل می‌رسد. اما هیپانت در راه رسیدن به ایران خود را به دریا می‌افکند و نجات می‌یابد و کریسپ شاهزاده رومی نیز، که در واقع برادر اراندان و بنا بر این ایرانی است، به کمک معجزاتی از چنگال مرگ می‌گریزد. این داستان پر از اعمال قهرمانی کریسپ می‌باشد که به تنهایی ارتش ایران را شکست می‌دهد ولی باز دشمن خود، یعنی برادرش، را بر تخت می‌نشاند. شاه ایران در این اثر جاه طلب، آدم‌ربا و حتی خائن توصیف شده است که برای به میراث بردن امپراطوری روم (از راه ازدواج با دختر امپراطور) و یاپیروزی در عشق و تصاحب هیپانت از هیچ کاری روی گردان نیست. سربازان ایرانی در این داستان بی‌رحم و وحشی معرفی شده‌اند. اگر از حواشی و متعلقات بگذریم این داستان بر اساس عشق سه مرد، و اراندان شاه ایران، کریسپ شاهزاده رومی و فوروندات شاهزاده هندی، برای یک زن، هیپانت، دور

می‌زند و مانند اغلب داستانهای فرانسوی آن زمان پر از اعمال متهورانه و قهرمانی، دسیسه‌ها و بدخواهی‌های درباریان، از نظر گم کردن و بازیافتن عزیزان و از این قبیل مطالب می‌باشد. دوری از واقعیت در این کتاب به حد نهایت رسیده است.

در ثلث دوم قرن هفدهم در حدود دوازده داستان با پرسوناژهای ایرانی در فرانسه انتشار یافت.^۱ در این عصر دو نوع داستان می‌توان تشخیص داد: دسته‌ای که مربوط به ایران باستان هستند و دسته‌ای دیگر که دربارهٔ ایرانیان هم عصر خود صحبت می‌کنند. نمونهٔ داستانهای دستهٔ اول *Zamire, Histoire Persane...* نوشتهٔ Mille... می‌باشد که مشخصات آن در یادداشت شمارهٔ ۱۰ آمده است. این یکی نیز مانند *Sapor...* مملو از حوادث خارق‌العاده است و حتی گاه از واقعیت آن چنان دور می‌شود که شکلی کودکانه و پوچ به خود می‌گیرد. در سال ۱۶۹۲، در پاریس، داستانی از طرف مؤسسهٔ *Barbin* تحت نام:

Syroès et Mirame, Histoire Persane... انتشار می‌یابد. به ادعای ناشر، نویسندهٔ آن بانویی با شخصیت است که در واقع کسی جز یک کشیش موسوم به *Abbé François Raquenet* نیست. این داستان که عیناً از *Zamire* رونویسی شده است علی‌الظاهر به قصد انتقام از یک ناشر نادرست به چاپ رسیده است و با وجود آنکه ناشر دوم متوجه بی‌ارزش بودن این داستان شد از چاپ آن منصرف نگردید و در عین حال به یکی از کتاب‌شناسان چنین نوشت: «این اولین کتاب بدی نیست که به چاپ رساندم و اگر خدا بخواهد آخرین آنها نیز نخواهد بود و من دست‌کم پولی را که برایش خرج کرده‌ام از آن بیرون خواهم آورد زیرا بی‌ارزش‌ترین

کتب همیشه ابلهانی برای خریدن خواهند یافت»^{۱۱}.

داستان دیگری از همین نوع قهرمانی کتابی است که به سال ۱۶۸۴ در پاریس وسیلهٔ L. Jossset، بدون نام نویسنده، تحت عنوان: *Alcine, Princesse de Perse...* انتشار یافت. قطعه شعر پایان داستان که نویسنده به اصطلاح از روی سنگ قبر استنساخ کرده است ما را از هر گونه تفسیری دربارهٔ موضوع آن بی نیاز می سازد.

شعر سنگ مزار برای آن سه فقید

در این گور دو دلداهٔ نگون بخت آرمیده اند
 که، در اثر سر نوشتی شوم و سخت،
 درست پیش از آنکه از لذایذ وصال متمتع شوند،
 دیدند که سنگدلی آگامون دختر پادشاه بابل
 دلچسب ترین گرهای زندگانی ایشان را گسیخت.
 این دو دلداهٔ مهربان مرگ را پذیرا شدند
 و این شاهزاده خانم دل سخت،
 که می توان به خوبی پلنگ ماده اش نامید،
 سمی سر کشید و پس از ایشان تزیست.

در میان رمان هائی که موضوع آنها از ایران معاصر آن عهد گرفته شده است می توان داستان *Tachmas, Prince de Perse...* را نام برد که مشخصات آن در یادداشت شماره ۱۰ آمده است. موضوع داستان مربوط به عصر شاه سلیمان سوم، پادشاه آن روز ایران است. پادشاه صفوی و برادرش طهماسب هر دو عاشق دختری به نام نگار هستند. حسادت و بدخواهی الله قلی خان، مشاور شاه، کار این عشق را به سرانجام شومی

دچار می‌کند: ملکه مادر، نگار و طهماسب می‌میرند، یکی از زنان درباری که فریب الله قلی خان را خورده بود خودکشی می‌کند و بالاخره مشاور بدخواه نیز جان به جان آفرین می‌دهد. این داستان که دارای کلیه خصایص داستانهای قبلی از قبیل سخنان عاشقانه مدروز، رفتارهای تصنعی اشخاص داستان و یا حوادث باورنکردنی می‌باشد، در ضمن نشان می‌دهد که نویسنده آن سفرنامه‌های چندی را ورق زده است تا اطلاعاتی درباره ایران و دربار پادشاهان ما در آنها بیابد. دلایل این ادعا فراوان است. مثلاً اسامی خاص «سلیمان، طهماسب، نگار، بیگم (مادر شاه)» و غیره درست از روی آوانگاری برخی از جهانگردان نوشته شده است. مطالب مربوط به خصوصیات اخلاقی ایرانیان، قدرت و سیاست شاه ایران، معایب و به‌خصوص پستی و فساد درباریان، درست مطابق ملاحظات موجود در آثار مسافرین ایران توصیف شده است^{۱۲}. اما این نوع داستان، با آنکه هنوز دارای نقائص بسیار است، در قرن هفدهم بسیار نادر است. از آغاز قرن هیجدهم است که تعداد آن‌ها بیشتر می‌شود و ضمناً بیش از پیش به واقعیت نزدیک می‌گردد و وقایعی که در آنها اتفاق می‌افتد بیشتر رنگ محلی می‌گیرد. سفرنامه‌های جهانگردان معلومات کافی به‌دست می‌دهند. کتاب هزار و یکشب ترجمه گلان که میان سالهای ۱۷۰۴ تا ۱۷۱۲ در دوازده جلد انتشار می‌یابد و نیز کتاب هزار و یک روز پتی دولاکروآ برای نویسندگانی که جویای مطالب واقعی جهت رمانهای ایرانی خود هستند به‌عنوان الگوی داستان سرائی به کار می‌روند. سپس مسافرت محمدرضا بیگ، سفیر ایران، به فرانسه در ۱۷۱۵، انتشار نامه‌های ایرانی مونتسکیو و آوازه فتوحات نادر توجه و علاقمندی مردم فرانسه را به ایران جلب

می‌کند و نوشتن داستان با اشخاص ایرانی برای مدتی در حدود سی سال رایج می‌شود.

چند نمایشنامه: برای نویسندگان کلاسیک فرانسه زندگی روزمره و مطالب مربوط به زمان حاضر جالب نیست و بر اساس اینگونه موضوعها نمایشنامه نمی‌توان نوشت. قهرمان تراژدی کلاسیک از میان کسانی که هر روز در کوچه و بازار می‌بینیم نمی‌تواند انتخاب شود. این قهرمان باید از حالت معمولی و عادی بیرون بوده و دارای خصایلی استثنائی باشد که مورد توجه خاص نمایشنامه‌های کلاسیک است. برای آنکه خصایصی از قبیل صفات عالیه، عشقهای سوزان، حیرانی‌های دو راهی تصمیم‌گیره که موجب اعتبار قهرمانان و در ضمن مایه اصلی تراژدی کلاسیک است قابل قبول عقل باشد لازم است موضوع نمایشنامه از تاریخ عهد قدیم اقتباس گردد که سرشار از این موارد است. به این دلیل است که نمایشنامه‌های دارای پرسوناژ ایرانی در مورد پادشاهانی از قبیل داریوش، کوروش و خسرو پرویز و یا سرداران و درباریان همان عهد نوشته شده است. چارچوب تاریخی حوادث به ندرت در نظر گرفته می‌شود و نویسنده به میل خود تغییراتی در حوادث واقعی وارد می‌کند. پرسوناژهای به ظاهر ایرانی درست مانند همقطاران یونانی و رومی خود، در تراژدی کلاسیک، رفتار می‌کنند و در واقع ایرانیان نمایشنامه‌های این عصر تنها نام ایرانی دارند. اظهار نظر زیر که پیر کرنی در مورد یکی از نمایشنامه‌های به اصطلاح شرقی راسین نوشت برای تمام نمایشنامه‌های مورد بحث ما صادق است: «حتی یکی از اشخاص نمایشنامه احساساتی را که باید داشته باشد و مردم در قسطنطنیه دارند ندارد و در زیرلباس ترکی دارای احساساتی

است که مردم کشور فرانسه دارا هستند»^{۱۳}.

پیر کرنی که همیشه در صدد است تا حقیقت اخلاقی و نیز طبیعت واقعی امیال انسانی را منحصرأ در میان شخصیت‌های استثنائی و مشهور که مبرا از تشویشهای فکری هر روزی هستند بیابد، داستانهای نمایشی خود را در چارچوب تاریخ یونان و روم و ایران باستان انتخاب می‌کند. اولین نمایشنامهٔ مربوط به تاریخ ایران را در سال ۱۶۴۷ تحت عنوان: *Rodogune, Princesse des Parthes... Leyde, Les Elzevir, in 12^e* انتشار داد. داستان نمایش مربوط به دوران پادشاهی مهرداد اول مؤسس سلسله اشکانی است. دختر وی، *Rodogune*، نامزد *Nicanor* پادشاه سوریه است که پس از شکست یافتن از ایرانیان در راه بازگشت به کشور خود می‌میرد. همسر وی کلتویاتر نسبت به رودوگون حسد می‌ورزد در حالی که پسران دوقلوی نیکانور هر دو شیفتهٔ رودوگون می‌شوند. اما درپیش‌پای این دو عاشق جوان مشکلی هویدا می‌گردد از این قرار که رودوگون اعلام می‌دارد همسر آن کسی خواهد شد که کلتویاتر را بکشد و از طرفی کلتویاتر آن پسری را به‌جانشینی پدر بر تخت خواهد نشاند که به‌زندگی رودوگون پایان بخشد. یکی از دوپسر این زن، سلوکوس، ذرائر زهری که مادرش برای رسیدن به هدف خود ساخته بود می‌میرد. پس از وی، مادر نیز، که برای اثبات بی‌گناهی خود بازماندهٔ زهر را سر می‌کشد، در برابر چشمان رودوگون و پسر دیگر خود آنتیوکوس جان می‌سپارد و بالاخره زن و مرد جوان باهم ازدواج می‌کنند.

کرنی این نمایشنامه را بهترین اثر خود دانسته و در آن «حرارت امیال و مهر و لطف عشق و دوستی» را می‌بیند^{۱۴}. دختر پادشاه ایران،

علیرغم نجابت، غرور، قدرت اخلاقی، وفاداری در عشق و کلیه صفات پسندیده دیگری که در این نمایشنامه دارد، خواننده را از پستی و سنگدلی خود، در تشویق دو عاشق به مادرکشی، دچار وحشت می‌سازد:

« شاید برای همیشه از این (عشق) دست بردارید »

« وقتی به شما بگویم چه بهائی برای آن طلب می‌کنم »

.....

« برای بدست آوردن رودوگون انتقام خون پدری را باید گرفت »

« من به این قیمت خود را تسلیم می‌کنم: برای احراز شایستگی

من دلیر باشید »^{۱۵}.

در یادداشتی که ولتر در حاشیه نمایشنامه مورد بحث اضافه می‌کند چنین می‌خوانیم: « راست است که همه خوانندگان بر آشفته می‌شوند از اینکه شاهدختی چنان مهربان و چنان موقر که از ذکر نام عاشق خود می‌لرزد و یا می‌ترسد مبادا به خواستگاران خویش دینی داشته باشد، با خونسردی دستور مادرکشی به شاهزادگانی می‌دهد که نزد وی به پرهیزگاری شهرت دارند و خود تا لحظه‌ای پیش نمی‌دانست که محبوب ایشان است. وی (با این عمل) خود را منفور می‌سازد... کلمه پاتر بیش از حد نفرت انگیز است؛ رودوگون در لحظه صدور دستور به همان اندازه نفرت انگیز و بسیار حقیرتر از او می‌شود... ».

رودوگون، به علت حس جاه طلبی که دارد، به اینکه کدامیک از

دو برادر شوهر او خواهد شد اهمیت نمی‌دهد فقط توجه او به اینست که

ملکه سوریه بشود :

(خطاب به آنتیوکوس)

« شاهزاده ، اگر عشقتان به اندازه عشق من است »

« اگر نسبت به این قلبی که شما را دوست دارد حق ناشناس نیستید »

« جز باینم تاج سلطنت به دیدار مجدد من نیائید »^{۱۶}.

Suréna , Général des Parthes , tragédie... Paris , G . de Luyne , 1675, in 12^o

نمایشنامه دیگری از پیر کرنی است که مربوط به زمان شکست لشکریان کراسیوس، سردار رومی، در ایران می باشد. مناسبات فیما بین شخصیت های نمایشنامه و طرز وقوع داستان همان پیچیدگی دایمی تأثیر کرنی را داراست. نویسنده شجاعت و اعمال قهرمانی سربازان و سرداران پارتی و به خصوص شخص سورنا را در معرض تحسین خواننده قرار می دهد .

Agésilas , tragédie en vers libres rimez ... Paris , G . de Luyne , 1666, in 12^o

نیز که یکی دیگر از نمایشنامه های این تراژدی نویس بزرگ فرانسوی است پرسوناژهای ایرانی از قبیل Spitridate ، یکی از رجال، و خواهرش Mandane دارد . این نمایشنامه نیز کلیه خصوصیات تأثیر کرنی را دارا است و در آن هم مانند اکثر تراژدی های او سخن به سیاست کشیده می شود. از روی برخی علایم می توان گفت که پیش از تنظیم این نمایشنامه، مصنف آن اطلاعاتی درباره دربار ایران و بزرگان کشور کسب کرده است، بزرگانی که « فقط بندگانی فرومایه اند » و درباری که در آن « سلطان، یا بهتر بگوئیم ستمگر کُلّ »، از تنها قانونی که تبعیت می کند هوس اوست »^{۱۷}.

Cosroès , tragédie... Paris , A . de Sommaville , in 4^o نوشته

Jean de ROTROU ، که در ۱۶۴۹ هم منتشر گردید و هم بر روی صحنه

آمد، نمایشنامه‌ای تخیلی است که داستان آن مربوط به دوران خسرو پرویز است. اشخاص بازی در دست مصنف وسیله‌ای برای انتقاد از پستی‌ها و چاپلوسی‌های درباریان قرن هفدهم فرانسه هستند.

La mort de Cyrus,..., Paris, chez les Libraires Associés, 1778, 5 vol., in 12°

نمایشنامه‌ای است ملهم از *Le Grand Cyrus* که توسط :

Philippe QUINAULT نوشته‌شد و در اواخر قرن هفدهم بر روی صحنه آمد. کورش، پادشاه ایران، به صورت جنگجوی قهرمانی عاشق پیشه معرفی می‌شود که به محض دیدن دشمن زیبای خود *Thomyris*، که به جنگش رفته بود، دل می‌دهد و از جاه‌طلبی‌ها و افتخارات و حتی زندگانی خویش دست می‌شوید. ملت و سپاهیان را ترک می‌گوید و در برابر چشمان حیرت زده لشکر ایران تسلیم و زندانی دشمن زیبا می‌گردد. تومی‌ریس، که در دل عاشق کورش است، به ملاحظات سیاسی همسری فر مانده قوای خود را می‌پذیرد. کورش در اثر حسادت رقیب را می‌کشد. تومی‌ریس، بر حسب وظیفه، کورش را به مرگ محکوم می‌کند و پسر از آن به زندگی خود نیز پایان می‌دهد.

Ormozdes, Prince de Perse,... in 8° که گویا نوشته CADET باشد، نمایشنامه دیگری از همین قبیل، با پرسوناژهای ایرانی است که تاریخ و محل چاپ آن معلوم نیست.

در آثار راسین فقط يك نمایشنامه می‌توان یافت که داستان آن در ایران اتفاق می‌افتد :

Esther, tragédie tirée de l'Écriture Sainte. Amsterdam, Héritiers Schalte, 1689, in 12°

موضوع این نمایشنامه، که در ۱۶۸۹ بر روی صحنه آمد، از تورات اقتباس گردید و تغییرات کوچکی نیز در آن وارد شد. استر که دختری یهودی است پرهیزکار و فهمیده و حساس توصیف شده و Xerxès، شخص ایرانی نمایشنامه، با حسن نظر و لطف مورد وصف قرار گرفته است. در این اثر، از خلال ابیات راسین، احترام و تحسینی را که نویسنده برای پادشاهان قدیم ایران قایل بوده است به خوبی می‌توان احساس کرد.

علاوه بر رمانها و نمایشنامه‌هایی که نام بردیم، در قرن هفدهم و آغاز قرن هیجدهم آثار دیگری نیز از همان انواع در فرانسه انتشار یافت که فاقد نام نویسنده یا تاریخ انتشار و یا محل چاپ هستند و بسیار کمتر از آثاری که نام برده‌ایم ارزش دارند و دلایلی وجود دارد که بگوئیم مورد استقبال مردم زمان خود قرار نگرفته‌اند.

بنابر این ملاحظه می‌شود که هیچیک از رمانها و نمایشنامه‌های فرانسه، تا اوایل قرن هیجدهم، نتوانستند تصویر واقعی ایرانیان عصر خود را عرضه کنند. آنهایی هم که در مورد ایرانیان قدیم نوشته شده‌اند پرسوناژهای قراردادی داستانها و نمایشنامه‌های کلاسیک آن عصر را نشان می‌دهند. پس رمانها و نمایشنامه‌های ایرانی قرن هفدهم نتوانستند به عنوان سند علمی مورد استفاده نویسندگان قرن هیجدهم قرار گیرند. تنها با استفاده از سفرنامه‌های معتبر و آثار تحقیقی استادان بود که فلاسفه و ادبای قرن فلسفی فرانسه گاه اشاراتی به ایران و ایرانیان و تمدن و فرهنگ کشور ما می‌کردند.

یادداشت‌ها

- ۱- صفحه ۱۲۲ از پیش‌گفتار .
- ۲- فصل نهم از *Essai sur les mœurs...* .
- ۳- صفحه ۹۳ و صفحات بعد از *L'Iran dans la poésie française* ، رساله دکتراى دانشگاهى آقاى حسن صدر، دانشکده ادبیات پاریس، ۱۹۵۸ .
- ۴- صفحه ۳۸۲ از *Revue d'Histoire Littérature* ، سال ۱۹۰۴؛ و نیز رجوع شود به صفحات ۴۲ و ۱۵۰ از *L'Orient dans la Littérature Française* ، نوشته P. MARTINO ، صفحات ۱۲ و ۱۳ از کتاب **آقای محسن صبا**؛ پیش‌گفتار **شارل شفر**؛ صفحات ۲ و ۳ از کتاب *L'IRAN dans la Littérature Française* ، رساله دکتراى دانشگاهى آقاى صمصامى ، در دانشکده ادبیات پاریس ، که در سال ۱۹۳۶ با قطع ۸^o in توسط **Presses Universitaires de France** انتشاریافت .
- ۵- پیش‌گفتار *La Bibliothèque Orientale...* .
- ۶- صفحه ۲۲۱ از پیش‌گفتار آنتوان گلان بر : *Les Paroles Remarquables...* ، منتشره در *Supplément à la Bibliothèque...* .
- ۷- پیش‌گفتار *La Bibliothèque Orientale...* .
- ۸- صفحه ۴۰۱ از سفرنامه این مبلغ .
- ۹- الف - به قلم G. S. DU VERDIER ، در ۱۶۲۸ ، داستان : *Les Esclaves ou l'Histoire de Perse*. Paris, T. Le Roy, in 8^o ب - نوشته J. O. B. (Jean BAUDOUID) ، در ۱۶۲۹ ، داستان : *Les Aventures de la Cour de Perse où sont racontées plusieurs histoires d'amour et de guerre , arrivées de notre temps*. Paris, Pomeray, in 8^o ج - از - C. ، در ۱۶۵۰ ، در دو جلد ، داستان : *Ladice, ou les Victoires du Grand Tamerlan*. Paris, T. Quimet, in 8^o

د - اثر Du PERRET ، در ۱۶۶۸-۱۶۶۹ ، در ۵ جلد ، داستان :

Sapor, Roi de Perse. Paris, C. Barbin, in 12^o

۱۰ - الف - از Mme DE VILLEDIEU ، در ۱۶۷۵ ، در ۱۲ جلد ،

داستان :

Astérie et Tamerlan, Paris , Compagnie des Libraires, in 12^o

ب - از (H. F. M.) - (نامعلوم) ، در ۱۶۷۶ ، داستان :

*Tachmas , Prince de Perse . Nouvelle historique arrivée sous le
Sophy Séliman, aujourd'huy régnant*. Paris, Etienne Loyson, in 16^o

در ۱۷۶۷ ، چاپ دیگری از این داستان همراه با خاطرات :

Ch. Au. de Ferriol, Comte d'Argental **Comte de Comminge**

و با امضای مستعار... Chevalier انتشار یافت .

ج - از BREMOND ، در ۱۶۷۶ ، داستان :

Hattigé, ou les amours du roy de Tamaran. Nouvelle. Cologne ,
Simon l'Africain, in 12^o

رمان فوق یک داستان استعاری است که در آن وقایع دربار انگلیس و به خصوص روابط عاشقانه شارل دوم با معشوقه اش دوشس دو کلیولند ، با اسامی مستعار زیر روایت می شود :

پادشاه Tamaran = شارل دوم پادشاه انگلیس

Hattigé = دوشس دو کلیولند

Zara = محرم دوشس

Osman = دوک دوباکینگهام

Moharen = مایلورد کاندیش

Roukia = همسر مایلورد

(رجوع شود به صفحه ۶۰۷ از جلد دوم فرهنگ چهار جلدی A. BARBIER ،

تحت عنوان :

Dictionnaire des Ouvrages Anonymes. Paris, Paul Daffis, 1872-79,
in 4^o

د - از Jean de PRECHAC ، در ۱۶۸۱ ، در دو جلد ، داستان :

La Princesse de Fez. Paris, C. Barbin, in 12^o

و نیز در ۱۶۸۵، از همین نویسنده، داستان:

Le Grand Sophi. Nouvelle allégorique. Paris, J. Morel, in 12^o

ه - از ؟ - (نامعلوم)، در ۱۶۸۴، داستان.

Alcine, Princesse de Perse. Nouvelle. Paris, Chez Louis Josset, in 12^o

و - از Mlle... (نامعلوم)، در ۱۶۸۷ تا ۱۶۹۰، در سه قسمت، داستان:

Zamire, Histoire Persane. La Haye, A. Troyel, in 12^o

ز - از FENELON، در ۱۶۹۰، داستان.

L'Histoire d'Alibée Persane (1690). Limoges, E. Ardent (1893), in 16^o

ح - از l'Abbé François de RAGUENET، در ۱۶۹۲، داستان

سه قسمتی:

Syroès et Mirame, Histoire Persane. Paris, C. Barbin (1692), M.

Brunet (1698), in 12^o

(چاپ مجددی از *Zamire... نوشته Mlle... می باشد*).

ط - از Eustache LE NOBLE، در ۱۶۹۴، داستان:

Zulima ou l'amour pur, seconde nouvelle historique, par... Paris,

G. de Luyne, in 12^o

ی - از Mme D... (در واقع E. Le Noble)، در ۱۶۹۷، داستان:

L'Histoire et les Aventures de Kémiski, Géorgienne, in 12^o

ک - بدون نام نویسنده و محل انتشار، در ۱۶۸۹، داستان:

Mezetin, Grand Sophi de Perse. S. L. in 12^o

۱۱ - صفحه ۶۱۶ از جلد چهارم فرهنگ A. BARBIER، مذکور در

یادداشت پیش.

۱۲ - صفحات ۱۲۲ تا ۱۲۵ نمایشنامه مذکور که مشخصات آن در بند

ب از یادداشت شماره ۱۰ آمده است.

۱۳ - صفحه ۳۶ از رساله دکترای Pierre MARTINO در دانشکده

ادبیات پاریس تحت عنوان :

L'Orient dans la littérature française au XVII^e et au XVIII^e siècles. Paris, Hachette, 1906, in 8^o

- ۱۴- رجوع شود به فرهنگ بزرگ لاروس قرن بیستم .
- ۱۵- صحنه چهارم از پرده سوم .
- ۱۶- صحنه اول از پرده چهارم .
- ۱۷- صحنه اول از پرده دوم .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی